

یادداشت گلابیه آمیز الهام کردا

الهام کردا بعد از به پایان رسیدن جشنواره تئاتر فجر دست به قلم شده و متنی نوشته. او در این متن که به خبرگزاری ایسنا داده، آرزو کرده مهم‌ترین رویداد تئاتری کشور باز هم مهم‌ترین باشد نه فقط در کلام بلکه در عمل. این بازیگر تئاتر و سینما نوشته: «من هنوز و تا هر زمانی جشنواره تئاتر فجری در کار باشد، بابت شرکت‌کردن در آن ذوق دارم و استرس. سعی می‌کنم که بهترین خودم را در این مهم‌ترین رویداد تئاتری ارائه کنم. جشنواره امسال در حالی برگزار شد که مهم‌ترین کارگردان تئاتر کشور در حال اجرا بود و هنوز برای من سؤال است چرا به جای این همه کار بی خاصیت، آن کارگردان را راضی به اجرا در جشنواره نکردند و اساساً چرا آن کارگردان دیگر حاضر به اجرا در جشنواره تئاتر فجر نمی‌شود. آرزوی من این است که باز هم همه ما آرزوی شرکت در این جشنواره را داشته باشیم.»

کتاب تازه‌ای از مجموعه «رمان ژانر» نشر هیلا منتشر شد

فانتزی ایرانی لیلا باقری در يك شهر زیرزمینی

پنجشنبه هفته گذشته در همین صفحه، خبر انتشار رمان یکی از همکاران رسانه‌ای‌مان را منتشر کردیم و حالا هم مقتخریم بگویم رمانی دیگر از همکاری دیگر منتشر شده است؛ نخستین رمان لیلا باقری با عنوان «پیراهنی بر آب».

هم از این بابت که همکارمان کتابش را روانه بازار کرده خوشحالم و هم از این بابت که این رمان در يك مجموعه امتحان پس داده و زیر نظر نویسنده کاربلدی چون محمدحسن شهبوسازی منتشر شده است؛ قصه‌نویسی که چند سالی است بر مان ژانر تمرکز دارد و در نشر هیلا ذیل انتشارات ققنوس مجموعه‌ای دنباله‌دار را در همین رابطه منتشر می‌کند.

تازه‌ترین کتاب از این سری هم که از لیلا باقری است، تلاشی است برای خلق فانتزی ایرانی که به گفته محمدحسن شهبوسازی دبیر مجموعه رمان ژانر انتشارات ققنوس، با نگاه ویژه نویسنده به افسانه‌ها و باورهای بومی میسر شده است.

در این رمان با شهری زیرزمینی، آیین‌های فتوت مشاغل، عروسی قنات و موجوداتی خیالی و باستانی در باور ایرانیان همچون شهباز موسیقار، هوپره‌کشین بال، درخت تیغال و... روبه‌رویم که ما را به درون تخیل ناب ایرانی می‌برد.

در بخشی از فصل ابتدایی این رمان می‌خوانیم: زیاد روی می‌آید، حتی اگر از بوی تعفن سرگیجه بگیرد، از بوی فاضلاب‌های خشک که دم به دم آروغشان را از هر سوراخی رها می‌کنند در شهر، شهر پر از چیزهای خشک، داغی مثل هیولایی تشنه تمام ذرات رطوبت را بلعیده و همه چیز را خشک و ترک ترک کرده، مخصوصاً درختان را. تنها درخت دور و برش که شاخ‌های تر دارد، درخت

خانه باغ قوزی است. پری همیشه تماشايش می‌کند. مثل حالا که آمده برای خرگوش‌ها آب بگذارد که یکباره گردباد پر هم بلند می‌شود و مجبورش می‌کند در این داغی‌شان را دور سر و صورت بپیچد تا پره‌ای ریز در دهان و بینی‌اش نرود. عادت کرده به این گردباد‌های گاه به گاه. باد که می‌وزد، بیشتر از همه پر پرنده‌هایی را بلند می‌کند که خورده شده‌اند. شکارشده‌ها یا آنهایی که از تشنگی تلف شده‌اند و هنوز بدن‌شان کرم نگذاشته، خورده می‌شوند و ازشان می‌ماند مشت‌ی پر پری از تصویر خوردن گوشت پرنده و چرنده هم دلش به هم می‌خورد، چه برسد به... اگر می‌خواهید یکی از خوانندگان رمان لیلا باقری باشید، بدانید که نشر هیلا آن را در ۲۷۹ صفحه با قیمت ۲۵۰۰ تومان منتشر کرده است.



مدال نقره برای خواجه‌امیری در ینگه دنیا

مهرزاد خواجه‌امیری، آهنگساز و نوازنده سبک نیوايج در ایران، مدال نقره مسابقات جهانی «گلوبال موزیک آوارد» را دریافت کرد. او به جام جم می‌گوید علاوه بر این، برای کسب عنوان بهترین آهنگساز سبک نیوايج نیز از رسانه هالیوودموزیک برای ساخت قطعه «کومیتیس» نامزد شده است.



معترضان الجزایری بالاخره توانستند رئیس جمهور ۸۲ساله‌شان را از نامزدی پنج‌باره برای انتخابات آینده منصرف کنند؛ پیش از این اما اتفاقات جالب توجهی در روزهای اعتراض‌های خیابانی افتاد از جمله پلاکاردی که در این گزارش به آن پرداخته‌ایم

عکس:

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

AP

فرح و ابتهاج در نوروز با «سه‌نقطه»

ویژه‌نامه نوروزی ماهنامه طنز «سه‌نقطه» منتشر شد. آن‌طور که بچه‌های سه‌نقطه به جام جم خبر داده‌اند، این ویژه‌نامه از دیروز روی پیشخوان هاست. در این شماره از مکتوب طنز سه‌نقطه یادداشت‌هایی از اسماعیل امینی، سعید باباوند، لیلا باقری، مریم حسن‌نژاد، احسان حسینی‌نسب، مرتضی درخشان، احسان عبدی‌پور، کورش علیانی و دیگر نویسندگان خواهید خواند و دچار فرح و ابتهاج خواهید شد.



درباره پیام سیاسی يك معترض الجزایری که طعنه عاشقانه شعارش مورد توجه قرار گرفته است

يك عاشقانه آویزان در پایتخت الجزایر

بوتفلیقه، جانشان را به لب رسانده است. ماجرا آن قدر بیخ پیدا کرده که وزارت آموزش عالی این کشور اعلام کرده امسال تعطیلات بهاری دانشگاه‌ها زودتر از موعد مقرر آغاز می‌شود. البته حالا دور از است مردم به هدفشان رسیده‌اند، چون آقای رئیس جمهور از نامزدی استعفا کرده است.

این مقدمه را نیاوردیم تا بگویم هر دموکراسی نیم‌بندی می‌تواند به دیکتاتوری بینجامد و امیدها را از درون متلاشی کند؛ غیب که نمی‌گوییم اینها را خودتان بهتر از ما می‌دانید. همه اینها را گفتیم تا به يك پلاکارد اعتراضی عجیب دست یکی از معترضان الجزایری برسیم؛ شعاری که حالا در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود و هشتک‌های مختلفی هم در جهان عرب برای آن داغ شده است.

اعلام مقامات با پیروزی قاطع ۷۴درصدی بر کرسی ریاست جمهوری بنشینند. آن روز خیابان‌های پایتخت، موج شادی و غریو مردمی را با خود می‌برد که آسیب زیر استعمار فرانسه، واپسین سال قرن بیستم برای الجزایری‌ها نوید استقرار استقلال و دموکراسی بود؛ ۱۱سپتامبر ۱۹۹۹ یعنی دقیقاً دو سال پیش از آن‌که هواپیماهای تحت امر اسامه بن‌لادن قلب برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک را سوراخ کنند، کیلومترها آن‌سوتر، دیکتاتور الجزایر استعفا کرد تا

انتخابات جدید سازماندهی شود و چندی بعد، مبارز استقلال‌طلب سابق عبدالعزیز بوتفلیقه که از حمایت جبهه آزادیبخش میهنی برخوردار بود، بنا به

پس از هشت سال جنگ چریکی داخلی و آتارشی هولناک و به عبارت دقیق‌تر پس از ۱۳۲سال قرارگرفتن زیر استعمار فرانسه، واپسین سال قرن بیستم برای الجزایری‌ها نوید استقرار استقلال و دموکراسی بود؛ ۱۱سپتامبر ۱۹۹۹ یعنی دقیقاً دو سال پیش از آن‌که هواپیماهای تحت امر اسامه بن‌لادن قلب برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک را سوراخ کنند، کیلومترها آن‌سوتر، دیکتاتور الجزایر استعفا کرد تا انتخابات جدید سازماندهی شود و چندی بعد، مبارز استقلال‌طلب سابق عبدالعزیز بوتفلیقه که از حمایت جبهه آزادیبخش میهنی برخوردار بود، بنا به



صابر محمدی

ادبیات و هنر

ماجرای چه قرار است؟

عاشقانه الجزایری در تظاهرات سیاسی



می‌دانست در حال ساختن یکی از معروف‌ترین عاشقانه‌های الجزایری در چند سطر ساده است و نه می‌توانست حدس بزند عشق، به عنوان یکی از موتیف‌های مهم ادبیات الجزایر، روزی بر برگه شعارهای سیاسی معترضان علیه رئیس‌جمهور دیکتاتور کشورش نقش خواهد بست. حالا ماجرا از این قرار است که زنی الجزایری در خلال اعتراض‌های خیابانی به پنجمین کاندیداتوری رئیس‌جمهوری کنونی کشورش پلاکاردی را به دست داشته‌که علاوه بر پیغامی سیاسی، حاوی طعنه و کنایه‌ای عاشقانه به مخاطبی خاص است؛ تصویر چندان باکیفیت نیست و صورت زن نیز پشت برگه کوچک نوشته‌اش قرار گرفته و جز بخشی از آن پیدا نیست. از همین بخش کوچک اما می‌شود پی برد که زنی جوان، مبارزه‌کننده این پیغام عجیب است. روی برگه نوشته شده: «می‌خواهم مثل بوتفلیقه باشد، هر زمان ازش خواستم که برود، بیشتر وابسته شود».

این شعار با مهارتی زبانی، هم به حکومت ۲۰ساله عبدالعزیز بوتفلیقه اعتراض می‌کند و هم از معشوق‌اش می‌خواهد مثل بوتفلیقه ول‌کن ماجرا نباشد! او می‌گوید ما به بوتفلیقه می‌گوییم برود و او در ۸۲سالگی و حتی از روی ویلچر ول‌کن سیاست و قدرت حاکم نیست و پیام عاشقانه نهفته در این پیغام هم این است که او از معشوق‌اش می‌خواهد در عشق، مثل آقای رئیس‌جمهور ثابت قدم باشد؛ پیغامی که توانسته دوگانه ساده عشق سیاست را در دو خط بسازد و بر دست بگیرد. او در واقع برای معشوق‌اش، برابر‌نهادی سیاسی را مثال زده و گفته اگر همان‌طور که او در هان‌کردن قدرت ثابت‌قدم است اگر آقای مخاطب خاص هم در عشق ثابت‌قدم باشد، رویاهای این زن را به واقعیت بدل کرده است.

گرافیک، اعتراض و دیکتاتور ویلچرنشین

جالب است بدانید وقتی هنوز سدها هزار معترض الجزایری خیابان را ترک نکرده بودند و هر روز هم بر تعدادشان افزوده می‌شد، آقای رئیس‌جمهور ۸۲ساله که برای مداوا در سوئیس به سرمی‌برد با ویلچر به کشور برگشته بود و بر کاندیداتوری خود در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری هم مصر بود. پیش از این‌که او بالاخره انصراف بدهد، بازار شوخی‌ها و اعتراض‌ها داغ بود. سماجت او، دستمایه بازی‌های گرافیکی متعددی شده بود؛ هم با عدد ۵ و هم با کارافتادگی مردی که می‌خواست در عین ناتوانی برای پنجمین بار پیاپی بر کشور آقایی کند آن هم در مهم‌ترین مصدر اجرایی که طبعاً نیاز به نیروی جوانی دارد. عدد پنج در حصار علامت ورود ممنوع و نیز پیکتوگرام‌ها و وکتورهای ویلچر حالا تبدیل به نماد اعتراض الجزایری‌ها به او شده است. چند تصویر از چنین واکنش‌هایی را برایتان انتخاب کرده‌ایم.

این پیغام سیاسی – عاشقانه چه می‌گوید؟

از سیکسو تا زنی در خیابان



پیغام سیاسی – عاشقانه زن الجزایری در برگه شعارش، ما را یاد فلاسفه، شاعران و داستان‌نویسان بسیاری از الجزایر می‌اندازد که تلاش همگی‌شان سال‌ها یا تئوریزکردن مقوله عشق در آثارشان بوده یا پرداختن به دراماتیک‌ترین مصادیق عاشقانه. در این میان اما بیش از همه نام هلن سیکسو که سال ۱۹۳۷ در الجزایر به دنیا آمد توی سرمان می‌چرخد؛ فیلسوف، منتقد ادبی، نمایشنامه‌نویس و فعال حقوق زنان که مثل اغلب درگاندیشان الجزایری به زبان فرانسوی می‌نوشت. کتاب مشهورش «خنده مدوسا» ست که سال ۱۹۷۶ منتشر شده و مطالعات فلسفه زنان را تکانی تازه داده است. ژاک دریدا، دیگر فیلسوف الجزایری که مثل سیکسو به فرانسوی می‌نوشت، معتقد بود که سیکسو بزرگ‌ترین نویسنده معاصر فرانسوی است.

زندگی و کار سیکسو مبتنی بر جست‌وجوی آزادی بود؛ او کم‌کم به سمت مبارزات جمعی زنان و پیشرفت جهان‌گرایش پیدا می‌کرد و به مطالعه اردوگاه‌های مرگ جنگ جهانی دوم از طریق تجارب و نوشته‌های دیگران می‌پرداخت. همیشه به موضوع سرکوب از جانب نیروهای سازمان‌یافته در هر سطحی در طول تاریخ علاقه‌مند بود و روش ساختارشکنی متن‌های کنونی زبانی را برای شکستن سد نظم نامدین حاکم و تولید زبان جدیدی را با عنوان «زبان زنانه در قالب نوشتار زنانه» تجویز می‌کرد. او معتقد بود ادبیات مردانه به‌طور غیرضروری، واقعیت را از طریق مفاهیم و واژه‌ها پاره‌پاره کرده و آن را به صورت تقابل‌های دوتایی درآورده است؛ فاعلیت در مقابل مفعولیت، خورشید در مقابل ماه، فرهنگ در مقابل طبیعت، روز در مقابل شب، بلندی در مقابل پستی، گفتار در مقابل نوشتار و مرد در مقابل زن. در این تقابل‌ها همواره يك قطب بر دیگری امتیاز دارد. از منظر سیکسو، منبع الهام تمامی این تقابل‌ها در دوگونگی بنیادین زن و مرد ریشه دارد که در آن، مرد با هر چه فعال، فرهنگی، روشنائی، بلندی که عموماً مثبت است، سرو کار دارد و زن با هر چه منفعل، طبیعی، تاریکی، پستی که عموماً منفی است، پیوند دارد. به این ترتیب، زن در جهان مردانه تنها بر حسب واژگان و مفاهیم مردانه موجودیت پیدا می‌کند و در یک کلام، زن از مرد جدا یا از آن مشتق می‌شود.

سیکسو حالا بخشی از خروجی تفکرش را بر برگه‌ای می‌بندد که زنی آن را در خیابان‌های پایتخت الجزایر بر دست دارد و روی آن طعنه‌ای عاشقانه به مردی که مخاطب خاص است ابلاغ شده است، در خلال گزاره‌ای سیاسی.

